**مروري بر زندگينامه امام محمد باقر عليه السلام**

**زندگينامه امام محمد باقر(ع)**

تاريخچه‌‌اي از زندگي امام پنجم عليه السلام

نام: امام محمد باقر (ع)

القاب: باقر –باقر العلوم

كنيه: ابو جعفر

نام پدر: علي ابن الحسين(ع)

نام مادر: ام عبدالله

تاريخ تولد: سوم صفر سال 57 هجري در شهر مدينه چشم به جهان گشودند

دوران امامت: 18 سال

مدت عمر: 57 سال

خلفاي غاصب معاصر:

-وليدبن عبدالملك،2-سليمان بن عبدالملك،3-عمربن عبدالعزيز،4- يزيد بن عبدالملك،4- يزيد بن عبدالملك،5- هشام بن عبدالملك

تاريخ شهادت: 7 ذيحجه سال 14 هجري در شهر مدينه

مرقد شريف: قبرستان بقيع شهر مدينه كشور عربستان

گزيده‌اي‌از سخنان آن بزرگوار :تو را به 5 چيز سفارش مي‌كنم:1- اگر مورد ستم واقع شدي ستم مكن2-اگر به تو خيانت كردند خيانت مكن 3-اگر تكذيب كردند،خشمگين مشو4-اگر مدحت كنند شاد مشو 5-اگر نكوهشت كنندبيتابي مكن.

معرفی امام محمد باقر (ع)

امام محمد باقر (ع) در روز جمعه یا دوشنبه یا سه شنبه غره ماه رجب یا سوم ماه صفر سال 57 هجری یا به روایتی دیگر سال 56 هجری، در مدینه به دنیا آمد و در روز دوشنبه هفتم ذی حجه یا ربیع الاول و یا ربیع الاخر سال 114 هجری، در همان شهر بدرود حیات گفت. بنابراین، آن حضرت 57 سال در این جهان زیست. از این مدت چهار سال با جدش امام حسین (ع) و پس از وی 35 سال با پدرش زندگی کرد و هیجده سال بقیه عمرش را به تنهایی به سر برد. بنابر روایتی که در کافی از قول امام صادق (ع) نقل شده است، وی 19 سال و دو ماه بیش از پدرش زیسته است و در همین دوران، امامت شیعیان را عهده دار بوده است. امام باقر (ع) در مدت امامت خود چند صباحی از خلافت ولید بن عبد الملک و نیز خلافت سلیمان بن عبد الملک و عمر بن عبد العزیز و یزید بن عبد الملک را درک کرد و سرانجام در روزگار خلافت هشام بن عبد الملک وفات یافت. در کتاب اعلام الوری نیز همین قول آمده که با آنچه بعدا خواهیم گفت، صحیح می نماید. ابن شهر آشوب در مناقب نوشته است:

آن حضرت در سال 114 هجری، در سن 57 سالگی زندگی را به درود گفته که از این مدت سه یا چهار سال را در جوار جد بزرگوارش امام حسین (ع) و 34 سال و ده ماه یا 39 سال با پدرش و 19 یا مطابق قول دیگر 18 سال پس از پدرش زیسته است که همین مدت دوره امامت آن حضرت محسوب می شود. امام باقر (ع) در طول سالهایی که مامت شیعیان را عهده دار بود، دوران خلافت ولید بن یزید و سلیمان و عمر بن عبد العزیز و یزید بن عبد الملک و برادرش، هشام، و ولید بن یزید و برادرش. ابراهیم، را درک کرد و در اوایل خلافت ابراهیم، رحلت یافت. ابو جعفر بن بابویه گوید که ابراهیم بن ولید بن یزید، امام باقر (ع) را مسموم ساخت. در دو نسخه ای که از این کتاب در دسترس بود همین مطلب به چشم می خورد. ولی در این گفته از جانب ابن شهر آشوب یا نساخ و یا هر دو سهوی رخ داده که از دید آگاهان پوشیده نیست. چون در میان خلفای یاد شده تنها یک تن به نام ولید بن یزید وجود داشته و این همان کسی است که نامش در آخر عبارت ذکر شده. و نام درست کسی که در آغاز وایت به او اشاره شده ولید بن عبد الملک است که ولید بن یزید الخ نام، درست آن ولید بن یزید بن عبد الملک و یزید بن ولید بن عبد الملک و ابراهیم و برادرش می باشد. علاوه بر این هشام در سال 125 هجری، وفات یافت و پس از او ابراهیم به خلافت رسید که او هم در سال 127 هجری، کشته شد و اگر امام باقر (ع) در سال 114 هجری، وفات یافته باشد، چنان که ابن شهر آشوب نیز همین سخن را می گوید، می توان به آسانی پی برد که وفات آن حضرت در زمان خلافت هشام روی داده است نه ابراهیم.

در کتاب کشف الغمة آمده است: محمد بن عمرو می گوید، بنابر روایتی که در دست ما است آن حضرت در سال 117 هجری، وفات یافت و دیگران تاریخ رحلت آن حضرت را در سال 118 هجری، ذکر کرده اند.

امام باقر (ع) در قبرستان بقیع و در کنار آرامگاه علی بن حسین، پدرش، و حسن بن علی عموی بزرگوارش، به خاک سپرده شده است.

 مادر آن حضرت

مادر آن حضرت، فاطمه دختر حسن بن علی بود که با کنیه ام عبد الله و بنابر قول دیگر، ام الحسن خوانده شده است. بنابراین امام باقر (ع) از سلاله پدر و مادری هاشمی علوی و فاطمی به شمار می آید. بدین جهت او نخستین کسی است که از نسل امام حسن (ع) و امام حسین (ع) به دنیا آمده است.

کنیه آن حضرت

کنیه وی را بعضی ابو جعفر و برخی ابو جعفر اول خوانده اند.

 لقب امام

آن حضرت القاب بسیاری داشت که از آن میان لقب «باقر یا باقر العلم »از همه مشهورتر است.

چرا آن حضرت را باقر لقب داده بودند؟

در فصول المهمة آمده است: آن حضرت را بدین لقب می خواندند زیرا علوم را می شکافت و باز می کرد. در صحاح آمده است: «تبقر، یعنی توسع در علم ». و در قاموس گفته شده است: محمد بن علی بن حسین را باقر می خواندند چون در علم تبحر داشت. در لسان العرب نیز ذکر شده است: آن حضرت را باقر می خواندند چرا که علم را می شکافت و به اصل آن پی می برد و فروع علم را از آن استنباط می کرد و دامنه علوم را می شکافت و وسعت می داد. ابن حجر در صواعق می نویسد: «او را باقر می خواندند و این کلمه از«بقر الارض »اخذ شده است، یعنی آنکه زمین را می شکافد و مکنونات آن را آشکار می کند. زیرا او نیز گنجینه های نهانی معارف و حقایق احکام و حکمتها و لطایف را که جز از دید کوته نظران و ناپاکان پنهان نبود، آشکار می کرد. »از این رو درباره وی گفته می شد که آن حضرت شکافنده علم و جامع آن و نیز آشکار کننده و بالا برنده علم و دانش است. در تذکرة الخواص نیز آمده است: او را باقر لقب داده بودند زیرا در اثر سجده های فراوان، پیشانی اش شکاف برداشته بود. برخی هم گویند چون آن حضرت از دانش بسیار برخوردار بود او را باقر می خواندند. آنگاه به نقل سخن جوهری در صحاح می پردازد.

شیخ صدوق در علل الشرایع به نقل از عمرو بن شمر آورده است: از حابر جعفی پرسیدم چرا به امام پنجم، باقر می گفتند؟گفت: «چون علم را می شکافت و اسرار آن را آشکار می کرد». در مناقب ابن شهر آشوب نوشته شده است: گفته اند برای هیچ یک از فرزندان حسن و حسین (ع) این اندازه از علوم، از قبیل تفسیر و کلام و فتوا و احکام و حلال و حرام فراهم نشد که برای امام باقر (ع) . محمد بن مسلم نقل کرده است که از آن حضرت سی هزار حدیث پرسش کردم.

نقش انگشتری امام باقر (ع)

شیخ صدوق در کتابهای عیون اخبار الرضا و امالی از قول امام رضا (ع) نقل کرده است که فرمود: «نقش انگشتری امام حسین (ع) «ان الله بالغ امره »بود و علی بن حسین (ع) انگشتری پدر خود را به دست می کرد. محمد بن علی نیز همان انگشتری امام حسین (ع) را خاتم قرار می داد. اما در فصول المهمه آمده است که نقش انگشتری آن حضرت «رب لا تذرنی فردا بود»نویسنده این کتاب[فصول المهمه]همچنین اضافه کرده است: ثعلبی در تفسیر خود نوشته است بر روی انگشتری امام باقر (ع) این کلمات نقش بسته بود:

ظنی بالله حسن

و بالنبی الموتمن

و بالوصی ذی المنن

و بالحسین و الحسن »

شیخ صدوق نیز مانند این روایت را در کتاب عیون اخبار الرضا از پدرش از امام صادق (ع) نقل کرده است. شیخ طوسی در تهذیب از امام صادق (ع) نقل کرده است که فرمود: نقش انگشتری پدرم این عبارت بود: «العزة لله جمیعا». در کتاب حلیة الاولیا نیز از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: نقش انگشتری پدرم «القوة لله جمیعا»بود. در کتاب کافی از یونس بن ظبیان و حفض بن غیاث نقل شده است که بر روی انگشتری ابو جعفر محمد بن علی (ع) که بهترین کس از سلاله آل محمد (ص) بود، عبارت «العزة لله »نقش بسته بود. در کتاب مکارم الاخلاق از کتاب العباس از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: «نقش انگشتری ابو جعفر (باقر (ع) ) «العزة لله »بود»البته بعید نیست که آن حضرت چندین انگشتری داشته که بر روی هر یک عبارتی متفاوت از دیگری حک شده بوده است.

شاعر آن حضرت، کثیر عزه و کمیت و برادرش ورد، و سید حمیری بوده اند. دربان آن حضرت نیز جابر جعفی نام داشته است.

خلفای معاصر با امام باقر (ع)

در زمان امام باقر (ع) ولید بن عبد الملک و سلیمان بن عبد الملک و عمر بن عبد العزیز و یزید بن عبد الملک و هشام بن عبد الملک خلافت داشته اند. برخی هم نامهای ولید بن یزید بن عبد الملک و یزید بن ولید بن عبد الملک و ابراهیم بن ولید بن عبد الملک را بر تعداد فوق افزوده اند.

فرزندان امام باقر (ع)

شیخ مفید در ارشاد می نویسد: امام باقر (ع) هفت فرزند داشت. ابو عبد الله جعفر بن محمد، [فرزند بزرگ ایشان]، کنیه امام باقر (ع) را به همین علت ابو جعفر می گفتند. فرزند دیگرش عبد الله نام داشت که مادر این دو ام فروه، دختر قاسم بن محمد بن ابو بکر بود. دو فرزند دیگر آن حضرت ابراهیم و عبید الله نام داشتند که از مادری به نام ام حکیم، دختر اسد بن مغیره ثقفی زاده شدند. از این دو پسر نسلی به وجود نیامده. علی و زینب دو فرزند دیگر آن حضرت بودند که از مادری کنیز به دنیا آمده اند. ام سلمه هم فرزند دیگر امام بود که او هم از مادری کنیز متولد شده بود. برخی گفته اند: زینب همان ام سلمه بوده است. در کتاب اعلام الوری نیز همین قول آمده است. ابن شهر آشوب در کتاب مناقب، اولاد امام باقر (ع) ، را هفت تن دانسته و آنها را مانند شیخ مفید برشمرده است مگر با این تفاوت که عبد الله افطح را نیز جزو فرزندان امام باقر (ع) محسوب کرده و گفته است: به جز فرزندان امام صادق (ع) ، اولاد امام باقر (ع) همگی از دنیا رفتند و نسلی از پس خود به یادگار نگذاشتند.

دوران امامت امام محمد باقر (ع)

دوران امامت امام محمد باقر (ع) با اوج ستم ها و شهوترانی های امویان و استفاده‏های ناروای آنها از بیت‏المال مسلمانان مصادف شد. شدت اختناق و بیداد چنان بود که خلفا آشکارا به دشمنی با آل محمد(ص) می‏پرداختند و نام  آنان را از دیوان بیت‏المال حذف می کردند.

در زمان امام باقر (ع)، نزدیک به یک قرن از وفات پیامبر اسلام (ص) سپری شده و نسل جدید از از احکام اسلام و عقاید آگاهی درستی نداشت. و تلاش های شصت ساله امویان در محو آثار دین و ایجاد شبهات اعتقادی به بار نشسته بود.

در این دوران حاکمان اموی به دلیل تعارضات داخلی از نهضت عظیم علمی امام باقر (ع)، غافل بودند، به همین دلیل امام باقر (ع) تاحد زیادی موفق به نشر معارف اسلامی گردیدند. البته اوضاع خشونت‏آمیز این دوره به گونه‏ای بود که امام باقر (ع) بارها تقیه می‏کرد و سرانجام نیز بر سر تعارضات مبنایی با نظام خلافت ظالمانه، توسط هشام به شهادت رسید.

اخلاق و فضایل امام محمد باقر (ع)

امامان معصوم، نسخه عملی آیات نورانی قرآن مجید هستند. همه آنچه از اخلاق و فضایل و ویژگی های انسان کامل است در وجود آنان در حد اعلی موج می زند. یکی از بارزترین ویژگیهای امام جامعیت اوست .

همه ی فضایل و ویژگی های انسان کامل در وجود امام محمد باقر (ع) متبلور بود. مرجعیت علمی و پاسخگویی به پرسشهای مردم، عبادت و تهجد و شب زنده داری، کار و تلاش در اوج زهد و تقوا، حضور سازنده و مؤثر در جامعه، شکیبایی و بردباری در روابط اجتماعی، رسیدگی به محرومان، صمیمیت و محبت با دوستان، محبت و عاطفه نسبت به خانواده، رعایت حقوق و نیازهای روحی همسران، عدم تحمیل ایده‏های خویش بر همسران، رعایت جمال و زی شرافتمندانه، اهتمام به حقوق مالی مردم و....تنها پاره ای از ویژگی های امام محمد باقر (ع) است.

سیره ی عملی امام محمد باقر(ع)

 امام معصوم آینه تمام نمای زندگی شرافتمندانه انسانهای موحد و متعالی است. سیره و روش زندگی امامان علاوه بر این که بهترین روش آموزش معارف نورانی اسلام است، بالا ترین دلیل بر قابلیت عمل واجرایی بودن دستورات دین نیز هست. رمز موفقیت و گسترش چشم گیر اسلام برخورداری آن از چنین الگوهای کامل عملی بوده است.

تمام زندگی امام محمد باقر (ع) برای همه ی روزگاران بهترین الگو برای جویندگان سعادت است به همین دلیل سیره ی عملی امام محمد باقر (ع) بزرگترین تأثیر علمی و عملی را برای جامعه خویش داشته است .

مرجعیت علمی و پاسخگویی به پرسشهای مردم، عبادت و تهجد و شب زنده داری، کار و تلاش در اوج زهد و تقوا، حضور سازنده و مؤثر در جامعه، شکیبایی و بردباری در روابط اجتماعی، رسیدگی به محرومان، انفاق و ایثار صمیمیت و محبت با دوستان، محبت و عاطفه نسبت به خانواده، رعایت حقوق و نیازهای روحی همسران، عدم تحمیل ایده‏های خویش بر همسران، رعایت جمال و زی شرافتمندانه، اهتمام به حقوق مالی مردم و دهها سیره ی عملی دیگر بهترین دلیل حقانیت وقابل عمل بودن مکتب انسان ساز اسلام است که در وجود رهبران راستین آن متجلی شده است.

شخصیت و آثار علمی امام محمد باقر

 دانش همه ی امامان معصوم (ع) یکسان و همگی از سر چشمه‏ی وحی سیراب می شوند. آنان آموزگاری نداشتند و در مکتب بشری درس نخوانده بودند.

دانش امام باقر (ع) نیز همانند دیگر امامان از سر چشمه‏ی وحی بود اما زمینه مراجعات وسیع دانش پ‍ژوهان و ابراز علم برای حضرت و فرزند گرامی شان امام جعفر صادق(ع) فراهم گشت.

تشکیل حلقه های درسی سنگین، احتجاجات، مناظرات و مباحثات امام محمد باقر (ع) با دانشمندان و مدعیان یکه تازی در میدان علم، همگان را به تواضع در پیشگاه علم آنحضرت وادار کرد.

«عبد الله بن عطاء مکی‏» می‏گفت: هرگز دانشمندان را نزد کسی چنان حقیر و کوچک نیافتم که نزد امام باقر (ع) یافتم. «حکم بن عتیبه‏»که در چشم مردمان جایگاه علمی والایی داشت در پیشگاه امام باقر چونان کودکی در برابر آموزگار بود.

شخصیت آسمانی و شکوه علمی امام باقر (ع) چنان خیره کننده بود که‏ «جابر بن یزید جعفی‏»به هنگام روایت از آن گرامی می‏گفت: «وصی اوصیاء و وارث علوم انبیاء محمد بن علی بن الحسین مرا چنین روایت کرد...».

اصحاب و شاگردان امام محمد باقر

شرایط زمان (سستی پایه‏های حکومت امویان)، برای امام محمد باقر (ع) و نیز امام صادق (ع) زمینه‏ای را فراهم آورد که آنان به تأسیس حوزه‏ های بزرگ درسی اقدام نمایند و عالمان و فقیهان بسیاری را پرورش دهند و بیشترین آرای فقهی، تفسیری و اخلاقی را در کتب فقهی و حدیثی از خویش بر جای گذارند .

این چنین است که فردی چون محمد بن مسلم می‏تواند سی هزار حدیث از امام باقر (ع (  نقل کند. و شخصیتی چون جابر جعفی هفتاد هزار حدیث.

در نزد عالمان امامیه، فقیه ترین فقیهان صدر اسلام شش نفرند که همه آنان از اصحاب امام باقر (ع) و امام صادق (ع) بوده‏اند. آنان عبارتند از: زرارة بن اعین، معروف بن خربوذ المکی، ابو بصیر الاسدی، فضیل بن یسار، محمد بن مسلم الطائفی و برید بن معاویة العجلی شیخ الطائفة، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی در کتاب رجال خویش، اصحاب و شاگردان امام باقر (ع) را که از آن حضرت نقل حدیث کرده‏اند 462 مرد و دو زن دانسته است.

در میان اصحاب و شاگردان امام باقر (ع) برخی از نظر اعتبار و وثاقت مورد اتفاق اهل سنت و امامیه اند، و دسته‏ای به دلیل گرایشهای عمیق شیعی، در دایره ی رجال اهل سنت قرار نگرفته، بلکه تنها مورد اعتماد امامیه می‏باشند .

امام محمد باقر از دیدگاه قرآن و اهلبیت

شخصیت امام محمد باقر (ع) و نقش آن حضرت در نشر معارف نورانی اسلام با توجه به شرایط مساعد زمان ایشان همواره مورد نظر پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) بوده است گویا همه این بزرگواران به عنوان پدران امت اسلامی انتظار زمان امام محمد باقر (ع) را می کشیدند تا آن حضرت با نهضت علمی خود جامعه اسلامی را از فقر فرهنگی مهلک برهاند.

رسول خدا(ص) به جابر فرمود: «امید آن‏است که عمر طولانی کنی تا فرزندی از من را که از نسل حسین(ع) است و محمد نام دارد، ببینی که علم دین را می‏شکافد و تشریح‏ می‏کند. وقتی او را ملاقات کردی، سلامم را به وی برسان. »

امام محمد باقر (ع) از دیدگاه اندیشمندان

شخصیت علمی، اجتماعی، سیاسی اخلاقی و آفتاب وجود امام محمد باقر (ع) آن چنان خیره کننده بود که هیچ کس را توان اغماض و انکار جامعیت و کمال ابعاد وجودی حضرتش نبود بلکه فرهیختگانی که فیض وجودش را درک کرده بودند، اعتراف به کمالات بی شمار امام محمد باقر(ع) را موجب کمال خویش می دیدند و از این راه بر ارزش و اعتبار خویش در نزد صاحبان علم اندیشه می فزودند. شخصیت های علمی از مذاهب مختلف اسلامی به بیان ویژگی های خورشید وجود امام محمد باقر(ع) پرداخته اند که سخنانشان در صفحات زرین تاریخ برای همیشه ماندگار گردیده است.

امام محمد باقر(ع) در آینه شعر

 زبان شیرین شعر از استعداد بالایی در بیان و انتقال مفاهیم عالی برخودار است. قرآن شعرای مؤمن و اهل اعمال صالح را ستوده است.  شعر متعهد همواره به سان سلاحی کار آمد در خدمت ارزشهای اصیل اسلامی و انسانی بوده است. شیعیان و ارادتمندان ائمه معصومین (ع) همواره از این هنر انسان ساز در بیان شخصیت و دفاع از مظلومیت خاندان رسالت بهره مند بوده و حقایق بلندی را در عباراتی کوتاه و شیرین بیان کرده اند. شعرای متعهدی همچون ابوالأسود الدوئلی، فرزدق، کمیت، سید الحمیری، منصور نمری، ابو تمام، دیک الجن، دعبل خزاعی، ابن الرومی، صنوبری، ابو فراس الحمدانی، الصاحب بن عباد، شریف رضی، مهیار دیلمی، شریف مرتضی و...همواره در اشعارشان مبین فضائل و مدافع حقوق ائمه (ع) بوده اند.

در بیان شخصیت والای امام محمد باقر(ع) شعرای متعهد دیروز و امروز اشعار زیادی سروده اند.

پرسش و پاسخ امام محمد باقر(ع)

 پرسش و پاسخ یکی از راههای دست یابی به اطلاعات مورد نیاز در زمینه های مختلف است که همواره در قرآن مجید و روایات معصومین (ع) مورد تأکید قرار گرفته است . قرآن مجید در این رابطه می فرماید: «اگر چیزی نمی دانید از اهل ذکر سؤال کنید »  رسول گرامی اسلام فرمودند: «خوب پرسیدن نصف علم است.» حضرت علی (ع) بارها خطاب مردم می فرمودند: «از من بپرسید قبل از آن که از دستم دهید زیرا من به راه های آسمان داناترم از راههای زمین.» از آن جایی که فرد سؤال کننده گاه با یک یا چند مجهول فعلی و حاضر روبرو شده و ذهن خود را آماده دریافت پاسخ کرده است، جواب صحیح به آن مجهول می تواند به صورت یک معرفت ماندگار در آید و کمتر دچار فراموشی شود.

ائمه معصومین (ع) همواره پاسخگوی سؤالات و مجهولات همه ی مردم بودند و به بعضی از اصحاب خود نظیر "هشام بن حکم" که توانایی پاسخگویی به سؤالات را داشتند دستور می دادند تا در مسجد بنشینند و به سؤالات مردم پاسخ دهند.

علما و اندیشمندان شیعه نیز همواره از این فرصت استفاده کرده و با پاسخ های به موقع، متین و استدلالات منطقی به پرسشهای پرسشگران حقایق بسیاری را روشن کرده اند.

کتاب و کتاب شناسی امام محمد باقر (ع)

 فعالیت های پژوهشی و فرهنگی در قلمرو زندگی معصومین (ع) یکی از افتخارات نویسندگان‏ و محققان و اصحاب فکر و اندیشه و قلم است. گرچه ابعاد و اعماق افکار و فضایل و ویژگی های رهبران الهی گسترده‏تر و عمیق‏تر از آن است که بتوان به تمام زوایای آن راه یافت. اما تلاش اصحاب قلم در این زمینه بسیار چشم گیر بوده و حقایق بسیاری از ابعاد شخصیتی معصومین (ع) را به رشته تحریر در آورده است.

تاکنون کتاب‏ های زیادی به زبانهای عربی، فارسی، اردو و ترکی در زمینه زندگی، ویژگی ها، فضائل،اندیشه ها و...‏ پنجمین خورشید امامت امام محمد باقر (ع) تدوین شده است. همچنین تلاش های زیادی در راستای معرفی آثار تدوین شده بعمل آمده است.